



Decriminalization of Petty Crimes: Challenges and Solutions

Bahram Ahmadmanesh¹, Karam Janipour^{2*}, Ali Janipour³

1. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran

2. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 493-512

Article history:

Received: 14 May 2023

Edition: 6 Jul 2023

Accepted: 30 Aug 2023

Published online: 4 Oct 2023

Keywords:

Decriminalization, Petty Crimes, Extreme Criminalization, Judicial System.

Corresponding Author:

Karam Janipour

Address:

Iran, Yasuj, Islamic Azad University, Yasuj Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-7882-5411

Tel:

07433313213

Email:

K.janipour.1349@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Decriminalization in petty crimes is one of the important issues of criminal law that is a subject of debate and opinion. The purpose of this article is to examine the challenges and solutions of decriminalization in petty crimes.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings indicate that in Iran's criminal law, no special approach has been taken to decriminalize petty crimes. Conflict in legislation, multiplicity and plurality of legislative authorities, weakness of expertise and specialization, individualism and application of personal preferences and traditional approach in criminal legislation of extreme criminalization are among the important challenges to the decriminalization of petty crimes in Iran. Reforming the structure of the country's judicial system, revising the amendment of laws and regulations, and implementing decriminalization in different ways are among the most important methods of decriminalization in petty crimes

Conclusion: Decriminalization of petty crimes plays an important role in reducing the volume of incoming cases to judicial authorities. It is necessary for the legislator to adopt a suitable approach in this regard.

Cite this article as:

Ahmadmanesh B, Janipour K, Janipour A. Decriminalization of Petty Crimes: Challenges and Solutions. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

قضازدایی در جرائم خرد: چالش‌ها و راهکارها

بهرام احمدمنش^۱، کرم جانی‌پور^{۲*}، علی جانی‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قضازدایی در جرائم خرد از موضوعات مهم حقوق کیفری است که محل بحث و نظر است. هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌ها و راهکارهای قضازدایی در جرائم خرد است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق کیفری ایران، رویکرد ویژه و خاصی برای قضازدایی در جرائم خرد اتخاذ نشده است. تعارض در تقنین، تعدد و کثرت مراجع قانون‌گذاری، ضعف تخصص و تخصص‌گرایی، فردگرایی و اعمال سلیق شخصی و رویکرد سنتی در قانون‌گذاری کیفری جرم‌انگاری افراطی از چالش‌های مهم فراروی قضازدایی در جرائم خرد در ایران است. اصلاح ساختار نظام قضایی کشور، بازنگری اصلاح قوانین مقررات و اجرای قضازدایی به روش‌های مختلف از مهم‌ترین راهکارهای قضازدایی در جرائم خرد است.

نتیجه: قضازدایی در جرائم خرد نقش مهمی در کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به مراجع قضایی دارد. لازم است قانون‌گذار رویکرد مناسبی در این خصوص اتخاذ کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹۳-۵۱۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

واژگان کلیدی:

قضازدایی، جرائم خرد، جرم‌انگاری افراطی، نظام قضایی.

نویسنده مسئول:

کرم جانی‌پور

آدرس پستی:

ایران، یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۲-۴۶۵۵-۷۲۶۵

تلفن:

۰۷۴۳۳۳۱۳۲۱۳

پست الکترونیک:

K.janipour.1349@gmail.com

۱. مقدمه

جرائم خرد موضوع مطالعات گسترده‌ای نبوده‌اند. اما در دهه‌های اخیر مطالعات جرم‌شناختی اهمیت جرائم خرد و تأثیر آن را بر سطح زندگی در شهرها و احساس امنیت شهروندان تا حدودی روشن کرده است. شیوع این جرائم به حدی است که تقریباً تمام افراد جامعه در خلال زندگی روزمره خود خصوصاً در کلان‌شهرها به دفعات با این قبیل جرائم مواجه می‌شوند و حتی بعضاً خود مرتکب آن‌ها می‌گردند» (کلانتری، ۱۳۸۱، ۳۷). نوروزی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای، جرائم خرد علیه نظم عمومی بررسی و راهبردها و راهکارهایی در این خصوص ارائه کرده است. اسفندیاری و نورپور (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، پیامدها و چالش‌های مداراگرایی کیفری در جرائم خرد را بررسی کرده‌اند. بوعدار و عباسی (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای، جایگاه حقوقی و حدود صلاحیت قوه قضائیه در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی را تبیین و کرده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده به ابعاد مختلف جرائم خرد توجه کرده‌اند. هدف مقاله حاضر قضازدایی در جرائم خرد، با بررسی چالش‌ها و راهکارها است. این موضوع نوآوری مقاله پیش رو است که در مقالات مورد اشاره بررسی نشده است. در شرایطی که قضازدایی از اهمیت بالایی برخوردار و عمدتاً متوجه جرائم خرد است و درعین حال جرائم خرد نیز تأثیر منفی بر آرامش و امنیت شهروندان دارد. مقاله حاضر درصدد بررسی چالش‌ها و راهکارهای قضازدایی در جرائم خرد است. سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که قضازدایی در جرائم خرد با چه چالش‌هایی مواجه است و راهکارهای مواجهه با این چالش‌ها چیست؟ به‌منظور سؤال مطرح‌شده، ابتدا مفهوم جرائم خرد و قضازدایی

جرائم خرد یا مانع، جرائمی هستند که اصولاً برای پیش‌گیری از سایر جرائم سنگین تر جرم‌انگاری می‌شوند. نوع برخورد با این جرائم و چگونگی کنترل آن‌ها در سیاست جنایی به دو نوع قابل تصور است. از یک سو، ممکن است شدت عمل و سخت‌گیری نسبت به جرائم اتخاذ و از راهبردهای سرکوبگر پلیسی و قضایی استفاده می‌کند. از سوی دیگر، ممکن است مداراگرایی همراه با رعایت اصل حداقل مداخله کیفری ترجیح داده شود و از راهبردهای غیر کیفری همانند ضمانت اجراهای اداری، انتظامی، مدنی، انضباطی و ترمیمی نیز استفاده شود. بحث قضازدایی از موضوعات مهم حقوق کیفری است. «تراکم کار دادگاه‌ها، تورم جمعیت کیفری، نارضایتی عمومی از طولانی بودن فرآیند رسیدگی و رفتار قضایی، دیوان‌سالاری قضایی، عدم رضایت عمومی ارباب‌رجوع و مراجعان از عملکرد محاکم، پرهزینه بودن عدالت کیفری، گران بودن خدمات پیرا قضایی مانند کارشناسی و وکالت برای اصحاب دعوی، سرگردانی مردم در فرآیندهای رسیدگی قضایی که ناشی از پیچیدگی دستگاه قضایی می‌باشد و ضعف نظام کیفری در مبارزه با بزه‌کاری همه و همه به‌نوبه خود منجر به نارضایتی از عملکرد مراجع وابسته به عدالت کیفری شده است. این نارضایتی‌ها به از دست رفتن اعتماد همگانی و عدم رضایت نسبت به نهادهای مختلف در چرخه پلیسی قضایی می‌انجامد و در نهایت باعث توسل جستن به شیوه‌های غیر رسمی حل‌وفصل اختلاف‌های کیفری خواهد شد» (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰، ۱۴۴). عموماً قضازدایی متوجه جرائم کم‌اهمیتی مانند جرائم خرد است. «واقعیت امر این است که در حقوق کیفری،

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم و یافته‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. قضازدایی

«این مفهوم عمدتاً در ارتباط با استفاده مقامات تعقیب جرم از جانشین‌های سنتی و کلاسیک کیفری در برخورد با جرائمی است که بر علیه قوانین کیفری ارتکاب می‌یابد. اثر چنین روشی خارج کردن فرد مظنون از فرایند رسیدگی قضایی کیفری بوده و ممکن است در هر مرحله‌ای از جریان رسیدگی صورت گیرد. مثلاً استفاده از اختیارات پلیس در بسیاری از نوشتارها مورد اشاره قرار گرفته است. تصمیم مقام تعقیب (اعم از پلیس و دادستان و ...) در عدم شروع پی‌گیری کیفری می‌تواند در هر زمانی قبل از شروع محاکمه صورت بگیرد یا ممکن است اتهامات پس گرفته شده و با دلایل و شواهد مربوطه اقامه نگردد» (نجفی‌ابرنادادی و دیگران، ۱۳۷۷، ۱۴۱). در تعریف دیگری قضازدایی این‌گونه توصیف شده است: «قضازدایی روشی است که با تغییر مسیر تعداد زیادی پرونده‌های کم‌اهمیت از دادگستری به مقامات اداری و انتظامی، قاضی را در جهت رسیدگی به جرائم مهم یاری خواهد کرد» (خزائی، ۱۳۷۷، ۱۱۵). یکی از جرم‌شناسان معروف ایران قضازدایی را این‌گونه تعریف می‌کند: «قضازدایی عبارت از اجتناب از ورود به فرایند قضایی کیفری یا جلوگیری از تطویل یا ادامه فرایند قضایی است که از طریق محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های رسیدگی اعمال می‌-

بررسی شده است؛ سپس چالش‌های قضازدایی در جرائم خرد مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت از راهکارها بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق کیفری ایران، رویکرد ویژه و خاصی برای قضازدایی در جرائم خرد اتخاذ نشده است. تعارض در تقنین، تعدد و کثرت مراجع قانون‌گذاری، ضعف تخصص و تخصص‌گرایی، فردگرایی و اعمال سلیق شخصی و رویکرد سنتی در قانون‌گذاری کیفری جرم‌انگاری افراطی از چالش‌های مهم فراروی قضازدایی در جرائم خرد در ایران است. اصلاح ساختار نظام قضایی کشور، بازنگری اصلاح قوانین مقررات و اجرای قضازدایی به روش‌های مختلف از مهم‌ترین راهکارهای قضازدایی در جرائم خرد است. نتیجه‌گیری: قضازدایی در جرائم خرد نقش مهمی در کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به مراجع قضایی دارد. لازم است قانون‌گذار رویکرد مناسبی در این خصوص اتخاذ نماید.

شود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳ - ۱۳۸۲، ۱۶). «مراد از قضازدایی خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم کیفری (که معمولاً در صلاحیت مقامات قضایی است) از گردونهٔ اقدامات رسمی است. این قطع و فصل ممکن است به شیوه‌های گوناگونی انجام گیرد؛ از قبیل بازجویی پلیسی، میانجیگری، مصالحه و... نکته اساسی در این‌گونه اقدامات در برخی موارد، خارج ساختن رسیدگی به دعاوی از مدار عدالت کیفری و حتی از مداخله پلیس است؛ یعنی قطع و فصل دعا به وسیلهٔ بخش اجتماعی» (گسن، ۱۳۹۸، ۴۴). در مرحله قضا زدایی زمانی که قضازدایی صورت می‌پذیرد این امر شامل دادسرا نیز خواهد شد.

۵-۲. جرائم خرد

طبق مادهٔ ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد جرم این‌گونه تعریف شده است، عملی دارای مجازات قانونی که به موجب قانون ممنوع بوده و برای رفاه عمومی مضر است. و جرم خرد در لغت فرهنگ فارسی به معنی کوچک و اندک هستند. «در اغلب فرهنگ‌های لغات حقوقی، جرم خرد این‌گونه تعریف شده است: جرائمی که دارای مجازات حبس کمتر از یک سال یا جزای نقدی اندک هستند. از دیدگاه جرم‌شناسی، جرائم خرد رفتارهایی هستند که بسیار نزدیک به کژرفتاری‌هایی هستند که پاسخ اجتماعی دارند اما به دلایل مختلف و بر اساس ضرورت، قانون‌گذار برای آن‌ها مجازات کیفری تعیین کرده است» (نوروزی، ۱۳۸۴، ۲۶۸).

«تعیین معیاری برای تشخیص جرائم خرد در حقوق کیفری ایران موضوع پیچیده‌ای است. با این وجود، یکی از راه‌های تشخیص جرائم خرد در حقوق کیفری ایران برای تفکیک این جرائم از جرائم شدید و بزرگ مناسب تلقی نموده، توجه به میزان مجازات تعیین شده از سوی قانون‌گذار است. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ که قبل از انقلاب اسلامی جاری بود این طبقه‌بندی لحاظ شده بود. و جرائم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌شدند؛ لکن بعد از انقلاب اسلامی مبنای طبقه‌بندی جرائم تغییر یافت و جرائم با توجه به مبنای شرعی به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم شدند که هر یک از این گروه‌ها شامل مجازات‌های مختلف و درجات شدت متفاوت است. در حدود، ارزش‌ها و قواعد الهی توسط مرتکب نقض شده که قطع نظر از شدت مجازات‌های مقرر در این بخش اهمیت و نوع ارزش‌هایی که در حدود، مبنای جرم‌انگاری هستند مانع از آن است که جرائم این بخش را بتوان جرم خرد تلقی کرد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳ - ۱۳۸۲، ۱۷).

«در بخش قصاص نیز با توجه به نوع جرم که قتل یا صدمات عمدی جسمانی است و نوع مجازات که قصاص نفس یا اطراف بوده و معادل و مماثل جنایت واقعه است هرچند جنایت واقعه کوچک و از دسته جراحات باشد نمی‌توان آن را جرم خود تلقی کرد. در خصوص دیات نیز گرچه در قانون مجازات اسلامی دیه یکی از مجازات‌ها به‌شمار آمده؛ اما در واقع ماهیت دیه جبران خسارات وارده بر مجنی علیه است و از برخی اصول حاکم بر مجازات‌ها پیروی نمی‌کند. از سوی دیگر پرداخت دیه در بسیاری از موارد با

کوتاه‌مدت است». یا به عبارت دقیق‌تر «جرائمی که دارای مجازات حبس کمتر از یک سال یا جزای نقدی کمتر از شش میلیون ریال هستند».

جرائم خرد اصولاً ارزش‌های مهم کشورها در ارتباط نیستند بلکه هدف همه کشورهای بیشتر فقط نظم عمومی است. و این نظم و امنیت عمومی است که مورد نظر نظام است چون اگر برای این جرائم خرد مجازات تعیین نشود و راه‌حل مناسبی برای پیش‌گیری از این جرائم نتوان پیدا کرد جرائم خرد کم‌کم موجب جرم‌های بیشتر و در نهایت تبدیل به جرائم کلان خواهد شد. بر اساس آنچه گفته شد، جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ را می‌توان در زمره جرائم خرد تلقی کرد. مطابق آنچه در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است مجازات‌های تعزیری درجه ۷ عبارت‌اند از: حبس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال، شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه و محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه. هم‌چنین در این ماده به مجازات‌های تعزیری درجه ۸ نیز اشاره شده است که عبارت‌اند از: حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال و شلاق تا ۱۰ ضربه. این جرائم مصادیقی چون جرم استعمال مشروبات الکلی متجاهراً و به‌نحو علنی در اماکن عمومی دو تا شش ماه حبس (ماده ۷۰۱ ق.م.ا)، جرم خرید، حمل و نگه‌داری آلات قمار یک تا سه ماه حبس (ماده ۷۰۶ ق.م.ا) جرم عدم گزارش مأمور قضایی از اماکن قمار سه تا شش ماه حبس (ماده ۷۱۱ ق.م.ا)، جرم تکدی و کلاشی یک تا سه ماه حبس (ماده ۷۱۲ ق.م.ا) جرم رانندگی ناشی از بی‌احتیاطی یک تا پنج ماه حبس (ماده ۷۱۷ ق.م.ا) و شلاق یا جزای نقدی ماده

مجازات‌های دیگر جمع می‌شود که با توجه به موضوع جرم که صدمات جسمانی است، جرائم مشمول این مجازات را نیز نمی‌توان با معیارها و مشخصات جرائم خرد منطبق دانست» (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰، ۱۴۸).

«لذا در حقوق کیفری در موضوع جرائم خرد نیز مانند سایر تأسیسات حقوق جزا باید تنها به جرائمی که دارای مجازات تعزیری و بازدارنده هستند بسنده کرد. با توجه به موارد مذکور باز هم این ابهام وجود دارد معیار تعیین و تفکیک جرائم خرد در میان جرائمی که مجازات تعزیری و بازدارنده دارند چیست؟ چنانچه پذیرفته شود که اصلی‌ترین معیار شناسایی جرائم خرد، شدت مجازات است، باید گفت که اصولاً قضاوت در خصوص شدت یک مجازات زمانی امکان‌پذیر است که مبنای مشترکی برای اندازه‌گیری شدت وجود داشته باشد. در مورد حبس تعزیری و جزای نقدی با توجه به اینکه در بسیاری از موارد این دو قابل تبدیل به یکدیگرند و باهم اعمال می‌شود یا یکی از آن‌ها اعمال می‌شود و اینکه این دو از مجازات‌ها مرسوم در تمام نظام‌های حقوقی هستند، شاید انتخاب آن‌ها به‌عنوان مبنای مشترکی برای تعیین شدت جرم بهتر باشد. اما در مورد شلاق با توجه به اینکه یک مجازات بدنی است و بسته به اوضاع و احوال مرتکب می‌تواند بسیار شدید باشد ابهام بیشتری وجود دارد» (نوربها، ۱۳۸۰، ۴۴۱).

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت که هیچ تعریف مشخصی از جرائم خرد در قوانین فعلی ایران وجود ندارد و می‌توان از بحث اخیر این تعریف را اخذ نمود که «جرم کوچک (خرد) جرمی است که مجازات آن معمولاً یک جزای نقدی کوچک یا حبس

لطمات جبران ناپذیری را به اعتبار و احترام خود قانون وارد می‌کند و گاهی اوقات موجب ایجاد تعارضات و ناهماهنگی در قوانین موجود می‌شود» (افراسیابی، ۱۳۸۹، ۱۹۷).

«سیاست جنایی تقنینی ایران، نه‌تنها فرآیند یکسانی ندارد، بلکه دچار نوعی بی‌نظمی است و آموزه‌ها و تفکرات مجزایی بر آن حاکم بوده است که در تبیین اصول راهبردی نظام عدالت کیفری به‌دلیل منطبق نبودن با نظام علمی و عملی سابق و آغاز شیوهٔ آزمون‌وخطا ناتوان نشان داده شده است. در واقع، دگرگونی نظام سیاسی در ایران، تغییرات زیادی را در نهادهای مختلف جامعه به وجود آورد. استقرار نظام اسلامی که با تغییر سیاق حاکمیت و ایدئولوژی همراه بوده، تحول عمیق در سیاست جنایی را در ابعاد مختلف باعث شده است، از جمله دگرگونی ارزش‌های سابق، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی، تحول نهادها و مراجع قضایی، نسخ اکثر قوانین گذشته، از برخی از پیامدهای مؤثر بر سیاست جنایی ایران بوده است» (حسینی، ۱۳۹۴، ۳۰).

«عجلهٔ مقنن جدید، فرصت تأمل و شناخت نیاز و رعایت مصلحت در قانون را نداده است؛ و حساسیت قانون‌گذاری بر عهدهٔ مقنن به‌اندازه‌ای زیاد است که نتیجه آن تصویب چندین قانون جزایی و صدها عنوان مجرمانه به ادبیات قضایی کشور است. این اقدام، سیاست جنایی ایران را با نوعی گم‌گشتگی، انحراف، بی‌هدفی، ابهام و ناکارآمدی روبه‌رو کرده است و از طرفی قضا و دستگاه‌های مجری قانون را با تعارض و سردرگمی روبه‌رو کرده است و به‌علاوه بسیاری از اندیشمندان علوم کیفری سیاست جنایی اساساً باید نقش اصلاحی، بازدارندگی و تعدیل نرخ تبه‌کاری را

۶۰۹ ق.م.ا، جرم مزاحمت برای بانوان و اطفال در معابر عمومی دو تا شش ماه حبس (مادهٔ ۶۱۹ ق.م.ا)، جرم خودداری از طفل توسط کسی که طفل به او سپرده شده سه تا شش ماه حبس (مادهٔ ۶۳۲ ق.م.ا)، روابط نامشروع غیر از زنا شلاق تا ۹۹ ضربه (مادهٔ ۶۳۷ ق.م.ا) و تظاهر به عمل حرام در انظار عمومی ۱۰ تا روز تا دو ماه حبس یا ۷۴ ضربه شلاق (مادهٔ ۶۳۸ ق.م.ا) را شامل می‌شود.

۵-۳. چالش‌های قضا‌دایی

در این قسمت چالش‌های قضا‌دایی شرح داده می‌شود.

۵-۳-۱. تعارض در تقنین

یکی از چالش‌های مهم قضا‌دایی از جمله در جرائم خرد، تعارض در تقنین است. «لزوم تدوین قوانین مناسب و منطقی و هماهنگ و همسو با ساختارهای متفاوت جامعه، از نیازهای مهم و ضروری مخاطبان قانون به‌شمار می‌رود. این موضوع به‌ویژه زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که موقعیت و سطح فرهنگی جامعه و شرایط زمانی و مکانی آن متحول شده است. و اوضاع و احوال جدیدی بر آن حاکم شده است. بدین لحاظ آنچه در این میان مهم و در توجه است، تدوین قوانین متناسب با این تغییرات جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فعلی و داشتن قابلیت اجرایی، برای دراز مدت است. پر واضح است که تغییر مداوم و پی‌درپی قوانین، بدون توجه وضعیت و موقعیت بستر و قلمرو اجرایی آن، علاوه‌بر سردرگمی مخاطبان،

پس از صدور حکم قطعی است. در نقطه مقابل بند ۷ ماده ۲۷۲ آ.د.ک این‌گونه بیان می‌کند: «در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد». این بند عیناً تکرار بند ۲ ماده ۱۱ است؛ ولی یک تفاوت فاحش بین این دو وجود دارد و آن اینکه، بند ۷ ماده ۲۷۲ بر خلاف بند ۲ ماده ۱۱ حق اعاده دادرسی را برای محکوم علیه جهت تخفیف در نظر گرفته است.

۵-۳-۲. تعدد و کثرت مراجع قانون گذاری

یکی دیگر از چالش‌های قضازدایی در کل و از جمله در جرائم خرد، تعدد و کثرت مراجع قانون گذاری است. زیرا در چنین شرایطی، با رویکردهای مختلف از سوی نهادهای مختلف قانون گذار مواجه هستیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصل هفتادویکم تا اصل نودویکم، درباره اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی صحبت شده است. اما بر اساس همین قانون اساسی، نهادهای دیگری به جز مجلس دارای اختیار قانون گذاری هستند. «در شرایط کنونی معضل تعدد مراجع قانون گذاری مشکل مهمی می‌باشد که علاوه بر پراکندگی و تشتت، موجب تورم قوانین این حوزه شده است. در واقع اقدامات هریک از نهادهای فوق، در مجموع حجم قابل توجهی از قوانین و مقررات پراکنده پدید می‌آورد. در این شرایط امکان شناخت قوانین منسوخ، اصلاحی و تکراری امری دشوار می‌نماید که نیازمند به بررسی‌های فراوانی است. در جوامع دارای نظام حقوقی مدون، وضع قوانین و مقررات به مجالس

ایفا کنند؛ اما در عمل، پیچیدگی وقایع بیش تر آشکار می‌شود. در خصوص سیاست جنایی ایران نیز این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا سیاست جنایی فعلی، خود به صورت مستقیم یا غیر مستقیم عامل تبه کاری و افزایش جرم است؟ به نظر می‌رسد، سیاست جنایی ایران در وضعیت کنونی در کنترل و مهار پدیده بزه کاری ناتوان است و پیامدهای منفی آن خسارات جبران ناپذیری را بر جامعه وارد ساخته است» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶، ۱۰). مهم ترین دلیل این امر رویکرد سیاست جنایی در جرم‌انگاری حداکثری است.

در خصوص تعارض در تقنین می‌توان به یک نمونه اشاره کرد: تعارض بند ۲ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی با بند ۷ ماده ۲۷۲ آئین دادرسی کیفری بند ۲ ماده ۱۱ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می‌تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد». «این بند در قانون مجازات عمومی سابق در قالب ماده ۶ بیان شده بود و اخف بودن مجازات قانون لاحق حق درخواست اعاده دادرسی را به محکوم علیه می‌داد تا در خصوص مجازات حکم قبلی از این طریق تقاضای تخفیف کند. در حالی که بند ۲ ماده ۱۱ فعلی این موضوع را نسخ کرده و صرف تقدیم درخواست را برای تخفیف کافی می‌داند» (میلکی، ۱۳۸۳، ۵۰). البته تخفیف مندرج در این بند با بحث تخفیف قضایی ماده ۲۲ ق.م.ا (که مرتبط با اوضاع و احوال قبل از صدور حکم است) متفاوت بوده و بر خلاف آن مربوط به تغییرات قانونی

جامعه علمی و دانشگاهی را نیز در اشراف به قوانین موضوعه و تعیین قانون حاکم به چالش می‌کشاند که نتیجه این بحران، موجبات سوءاستفاده ابزاری از قوانین را مهیا می‌کند و حقوق متهمین، بزه‌دیدگان و سایر شهروندان را به خطر می‌اندازد» (نجفی توانا، ۱۳۸۶، ۸). یکی از مشکلات که نظم مبتنی بر قانون را در ایران به چالش می‌کشاند تعدد نهادهای واضع قانون است. برخلاف اینکه در قانون جمهوری اسلامی ایران وضع قانون در انحصار صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و اعتبار مصوبات آن نیز در گروه تأیید شورای نگهبان است؛ اما نهادهایی غیر از مجلس شورای اسلامی با وضع الزامات این صلاحیت را مخدوش کرده‌اند. شورای عالی امنیت ملی که مصوبات آن پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است، مصداق چنین نهادهایی است. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز برای خود قایل به چنین صلاحیتی است. در عین حال، در کنار نهادهای مزبور که از پایگاه قانونی برخوردارند ساختار حقوقی ایران پذیرای نهادهایی است که مصوبات آن‌ها در حکم قانون تلقی می‌شود. در این راستا می‌توان به شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای عالی اداری فرامین رهبری در قالب احکام و برخی از مراجع دیگر اشاره کرد که مصوبات آن‌ها لازم‌الاجرا است.

۵-۳-۳. رویکرد سنتی در قانون‌گذاری کیفری

مشکل مهمی که نظام قضایی با آن دست به گریبان است، بحث فزونی عناوین مجرمانه و گستردگی و حجیم بودن مجموعه قوانین کیفری است که از آن با عنوان تورم کیفری یاد می‌کنند. اما این بحران تورم کیفری در کشورهای مختلف یکسان و مشابه نیست.

قانون‌گذاری تفویض می‌شود و قانون‌گذاری از جانب سایر مراجع یا منع شده یا اینکه جنبه استثنایی دارد» (آرملی، ۱۹۹۸، ۸۴). در ایران، مصوبات خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی همگی در حکم قانون بوده و ارزشی بالاتر از قوانین عادی دارند. البته قانون‌گذاری در برخی نهادها منحصر به وظایف خود آن نهاد است مانند خبرگان رهبری و برخی مانند تشخیص مصلحت نظام باید در شرایط فوق‌العاده و مقطعی رخ دهد؛ اما در هر حال نهادهای مورد اشاره صلاحیت قانون‌گذاری دارند.

«در نظام جنایی ایران، به غیر از مجلس شورای اسلامی، مراجع متعدد هم‌چون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون‌های داخلی مجلس و هیأت دولت پیش‌بینی شده است. نگرش منطقی به این مراجع گویای این است که سیاست-جنایی ایران در این حوزه چگونه با بحران تورم قوانین کیفری روبه‌رو است. تعدد مراجع قانون‌گذاری، گستردگی قوانین را نیز در پی دارد و حجم زیاد قوانین مورد استناد در دادرسی نه تنها قضات و تصمیم‌گیرندگان قضایی را با اشکال مواجه می‌کند، بلکه سبب انحراف عدالت می‌شود. تعارض زمانی زیاد می‌شود که این نهادها از انسجام و ارتباط لازم به دور مانده که در این صورت تعارض قوانین ناسخ و مشابه را دنبال خواهد کرد. در این مقطع، پرسش این است: قانون حاکم کدام است؟» (کلانتری، ۱۳۸۱، ۶۲).

بدین ترتیب، حجم و گستردگی قوانین مصوب، آن‌چنان وسیع می‌شود که نه تنها مراجع قضایی، بلکه

جایگزین نظام جزایی عرفی شد. به دنبال آن، ضرورت تصویب قوانین کیفری، قانون‌گذار را بر آن داشت تا به شکلی شتاب‌زده و بدون فرهنگ‌سازی به ترجمه متون فقهی بپردازد. نتیجه این وابستگی‌ها به سنن قبل، استفاده فراوان از مجازات‌های رایج اسلامی مانند شلاق و مجازات عرفی زندان بود. این امر از همان ابتدا این سؤال را به ذهن حقوق‌دانان انداخت که آیا ارزیابی کیفرشناختی و جرم‌شناختی چنین مجازات‌هایی، ما را به اهداف سیاست جنایی مدرن نزدیک می‌کند یا خیر؟» (میلکی، ۱۳۸۳، ۵۰).

در مورد مبنای جرم‌انگاری اعمال در جامعه ابتدا باید گفت که لزوماً تمامی افعال ضد هنجارهای اجتماعی عنوان جرم را بر خود نمی‌بینند. در توضیح این موضوع باید اضافه کرد که درجه تخریبی این افعال نسبت به جامعه باید به حدی باشد که نظم و آرامش عمومی را به طور جدی مختل کند. برای مثال قبح عمل عبور از چراغ قرمز یا برخورد نامناسب کارمند دولت با مراجعان به حدی نیست که قانون‌گذار برای منع فرد خاطی از چنین اعمال متوسل به مجازات کیفری شود.

«اولین و مهم‌ترین قاعده در احتساب عمل خاصی به عنوان جرم، درج این موضوع در قوانین و مقررات موضوعه است. اصل قانون بودن جرم از جمله اصول اولیه و بنیادین حقوق کیفری است. طبق این اصل، تعیین عمل مجرمانه باید ضرورتاً در چارچوب قانون باشد؛ یعنی ابتدا باید عمل مورد نظر در قالب مقرر قانونی تدوین و تصویب شود. این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا با توجه به حساسیت موضوع و وجود مجازات در مقابل چنین عملی، مجازات افراد قبل از آگاهی از وجود یک جرم در

مثلاً بحران تورم حقوق جزا، در اکثر کشورهای غربی و اروپایی برخاسته از شکل‌گیری حقوق جزای فنی و جرم‌انگاری‌های نوین است؛ مانند جرم‌انگاری جرائم محیط زیستی، جرائم رایانه‌ای، جرائم اینترنتی و برخی جرائم اقتصادی جدید. در حالی که متورم شدن حقوق کیفری در جوامع سنتی که جرم‌انگاری‌ها بیشتر ملهم از آموزه‌های اخلاقی و مذهبی است، نتیجه این برداشت و تصور ناصواب است (مظلومان، ۱۳۹۲، ۳).

قبل از آنکه یک رفتار، جرم تلقی شود و قواعدی برای جلوگیری بروز آن پیش‌بینی شود، قانون‌گذار باید در مورد لزوم جرم‌انگاری آن رفتار مطالعه کند تا در صورت نیاز آن را به عنوان یک جرم جدید وارد نظام کیفری کند. در این راستا باید رابطه حقوق کیفری را با دیگر حوزه‌ها و رشته‌ها از جمله جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم انسانی تبیین کند و مرزهای مشترک و تفاوت‌های آن‌ها را تشخیص دهد. «نگرانی از این لحاظ است که هنوز قانون‌گذار ایران به صحت تحقیقات و نتایج مطالعات جرم‌شناسی و کیفر شناختی اطمینان ندارند و عده‌ای هم به علت غرق شدن در افکار غلط گذشتگان از خود مقاومت نشان می‌دهند و حاضر به پذیرش واقعیات نیستند. برای مثال، تأسیس محاکم اطفال و حذف مجازات‌های بدنی برای کودکان بزه‌کار و در نظر گرفتن روش‌های تربیتی برای آنان، از حقایق اجتناب‌ناپذیری است که متأسفانه، سنت‌گرایان آن را نمی‌پذیرند و مقنن کیفری ایران، بعد از انقلاب مبنای قانون‌گذاری خود را بر موازین اسلامی و شریعت قرارداد که بر مبنای همان حقوق کیفری ما نیز رنگ شرعی یافت و نظام طبقه‌بندی مجازات‌های اسلامی،

شود، زیاد دوام نخواهد آورد و سیاست جنایی را دچار سرگردانی می‌کند» (نوربها، ۱۳۹۷، ۱۲۶).

«واضعان سیاست جنایی در تعیین مجازات‌ها و کیفرهای مختلف هرگز به تفاوت‌های فردی اشخاص و اینکه کدام مجازات دارای اثربخشی مطلوب است، توجهی نشده است؛ بلکه منطق ذهنی آنان بر این فرض استوار بوده است که در مقابل هر شکلی از رفتار مجرمانه بسته به صلاحدید و نه بر مبنای مطالعه علمی واقع‌گرایانه باید به یکی از واکنش‌های کیفری رایج روی آورد. این در حالی است که به‌زعم حقوقدانان، بعد از تدوین هر قانونی، مقنن نباید قانع به نگارش و تصویب آن باشد و تکلیفی برای خود درزمینه‌ی بررسی نتایج مصوب قائل نشود. بلکه باید سیاست فردی کردن تقنینی و تناسب سنجی مجازات‌های مقرر با اهداف و نیازهای اجتماعی لحاظ شود و برحسب مورد در جهت شدت یا کاهش سیاست‌های کیفرزدایی، جرم‌زدایی، یا جرم‌انگاری پیش برود» (میلکی، ۱۳۸۳، ۱۵۰).

اولین نقطه منفی جرم‌انگاری نامناسب پایین آمدن کیفیت اعمال نیک شهروندان است. در مواردی قانون‌گذار اهمیت زیادی برای انجام برخی اعمال مفید مردم قایل است. ممکن است متصدی قانون-گذاری خلاف قاعده برای ترک چنین افعالی مجازات تعیین کند. اساساً اجبار کیفری شهروندان جامعه از انجام اعمال داوطلبانه و هم‌چنین از کیفیت انجام آن افعال می‌کاهد. بنابراین با توجه به اینکه خداوند به انسان‌ها قدرت اراده داده است باید از مقید کردن کیفری بی‌مورد قانون‌گذار در زمینه‌های شخصی پرهیز شود. مضاف اینکه قانون‌گذاران باید تا حد

جامعه خلاف عدالت است. در موازین فقهی نیز این موضوع مورد تاکید قرار گرفته است. در حقیقت به موجب احکام فقهی، مواخذه کیفری شخص قبل از آنکه عمل وی به عنوان جرم معرفی شود، قبیح است» (قناد و دیگران، ۱۳۹۶، ۴۲).

«از لحاظ ماهوی سیاق جملات در مورد اعلام عمل مجرمانه خاص باید جامع، شفاف و به دور از هرگونه ابهام باشد. به‌عنوان مثال ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ اشاره کرده که هر کس به صورت علنی در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی کند، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در این زمینه باید به‌طور روشن مشخص می‌شد که ماده فوق دقیقاً در مقام بیان چه نوع افعالی است. در واقع باید در نگارش مواد قانونی به خصوص مواد جزایی از درج عبارات کلی و مبهم خودداری شود» (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶، ۱۱).

«در ایران به توجه به اینکه تلاش‌های زیادی از جانب پاره‌ای از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان صورت گرفته است، تاکنون هیچ پژوهش قابل استنادی در باب اثر سنجی مثبت یا منفی مجازات‌ها بر بزه‌کار و نقش آن در تهییج افکار عمومی انجام نشده است و از این نظر، واضعان سیاست جنایی تقنینی ما هم‌چنان در حاله‌ای از تصورات ذهنی محصور مانده‌اند و نمی‌دانند که پیش‌بینی مجازات‌های سنتی زندان و شلاق تا چه حد دارای مقبولیت یا نفرت عمومی است. بنابراین، قانونی که بر چنین مبنای ضعیفی وضع

گونه جرائم را به صورت کیفی تنبیه کرد. این فرآیند در قالب تدوین قوانین و اتخاذ وصف کیفی برای افعال فوق میسر است. به این ترتیب باید شاهد جرم‌انگاری بسیاری از افعال خلاف هنجارهای اجتماعی بود.

۵-۳-۴. جرم‌انگاری افراطی

تورم کیفی زمانی اتفاق می‌افتد که جرم‌انگاری به صورت افراطی وجود داشته باشد. تورم کیفی مانع قضازدایی است. در جرم‌انگاری افراطی جامعه به سمتی می‌رود که هر رفتار ناقض ارزش بلافاصله با مجازات روبه‌رو شود. اگر عملکرد سیاست جنایی تقنینی با عنوان جرم‌انگاری، از حدود متعارف و نرمال خود خارج شود و دامنه مداخله و پیش‌روی حقوق کیفی را در رفتارها و اعمال مباح انسانی گسترش دهد و در واقع منطقه آزاد رفتاری را محدود و منطقه کنترل‌شده رفتاری را وسعت بخشد، به نوعی جرم‌انگاری افراطی مبتلا خواهد شد که می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بحران در سیاست جنایی معرفی شود (نوربها، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

«سیاست جنایی از ورای زاویه دید امنیت‌گرایی، به کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری و افراطی می‌پردازد و به بهانه تأمین امنیت و بازگرداندن آرامش روحی و روانی شهروندان، آنچه را که به عنوان ارزش غیر قابل دفاع جامعه بشری معرفی شده است را مجرمانه تلقی می‌کند و با پاسخ‌های کیفی و دولتی، معمولاً جامعه را با نوعی سردرگمی در تشخیص مصلحت‌ها و مبانی ارزشی خود روبه‌رو می‌سازد. جرم‌انگاری افراطی

امکان از ورود به حیطه شخصی و حریم خصوصی افراد اجتناب کنند.

از سوی دیگر جرم‌انگاری‌های پی‌درپی و اضافی منجر به وقوع تورم قوانین می‌شود. امروزه افزایش حجم متون قوانین مربوط به تعیین جرائم و مجازات‌ها امری نامناسب محسوب می‌شود. از یک طرف تعیین جرائم متعدد موجب ایجاد محدودیت جدی در آزادی اشخاص خواهد شد. از طرف دیگر با ازدیاد جرائم، شناسایی و اطلاع دقیق از وجود آن‌ها برای شهروندان عادی جامعه مشکل‌تر خواهد شد. با تعیین جرم برای رفتارهای کم‌اهمیت، حقیقت مجازات در ذهن مردم کم‌رنگ می‌شود و ارزش مجازات در میان مردم پایین می‌آید. در نهایت افزایش جرائم موجب افزایش پرونده‌ها در دادگاه‌ها خواهد شد و این مسئله باعث کاهش دقت در پرونده‌ها و جلوگیری از تسریع در رسیدگی به آن‌ها خواهد شد.

باید توجه شود که جرم‌انگاری غیر اصولی ممکن است ایجادکننده جرائم دیگری نیز باشد. زمانی که عمل فردی به طور نامناسب جرم تلقی و به مجازات حبس محکوم می‌شود، هم‌نشینی با مجرمان در داخل زندان وی را در معرض خطر بزه‌کاری مجدد قرار خواهد داد.

اکثر انسان‌ها هنجارمند هستند و جامعه همیشه با گروه اقلیت هنجارشکن مواجه بوده است. این عده خلاف مسیر تعیین شده در زندگی اجتماعی حرکت می‌کنند؛ اما همه اعمال این دسته از افراد نظم اجتماعی را متزلزل نمی‌کند. جامعه حساسیت ویژه‌ای به افعال گروهی از افراد جامعه موسوم به برهم‌زنندگان نظم جامعه دارد. تجربه بشر نشان داده است که برای برخورد با این اعمال باید عاملان این

سرکوبگر کیفری بزند و به جرم‌انگاری افراطی روی آورد، عملکرد آن منتهی به حجیم شدن مجموعه قوانین کیفری، افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و تحمیل هزینه‌های گزاف بر دستگاه عدالت کیفری خواهد شد.

۴-۵. راهکارها

قوهٔ قضائیه در سال‌های اخیر با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است که در همین راستا درصدد ارائهٔ راهکارهایی برای بهبود بخشیدن به اوضاع برآمده است. تنظیم لایحهٔ قضازدایی نیز یکی از این راهکارهاست.

۴-۵-۱. اصلاح ساختار نظام قضایی کشور

اصلاح ساختار نظام قضایی جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت از سیاست‌های قوهٔ قضائیه است. «چشم‌اندازهای سیاست فوق عبارت‌اند از: (۱) بهره‌مندی از سرعت، دقت و صحت در رسیدگی به پرونده‌ها (محمدی، ۱۳۸۲، ۲۰۸-۲۰۷)؛ (۲) بهره‌مندی از منابع انسانی مسئولیت‌پذیر آگاه و کارآمد؛ (۳) بهره‌مندی از مشارکت مردم و نهادهای شبه قضایی برای رسیدگی به پرونده‌ها؛ (۴) دستیابی به فناوری‌های نو، ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ (۵) بهره‌مندی از نظام نظارتی کارآمد و اثربخش بر اساس وظایف و اختیارات قانونی؛ (۶) دسترسی همگانی به اطلاعات مربوط به عملکرد دادگاه‌ها و آرای قضایی. عملکرد قوهٔ قضائیه در زمینهٔ اصلاح

منجر به تورم کیفری و پراکندگی قوانین در این حوزه می‌گردد که به جهت عدم اعتنای افراد انسانی به این جرم‌انگاری، رفته‌رفته قبح این اعمال کاهش می‌یابد، به‌نحوی که جامعه دیگر نسبت به این موضوع حساسیتی نشان نخواهد داد و نیز موجی از بی-اعتمادی میان شهروندان و کنشگران نظام عدالت کیفری حاصل خواهد شد که معمولاً این عدم رعایت قوانین کیفری و نیز ناتوانی دستگاه‌های کیفری در مقابله با چنین اعمالی، منجر به ازدیاد قوانین کیفری متروک می‌گردد» (فناد و دیگران، ۱۳۹۶، ۴۱)

«می‌توان گفت که صرفاً سیاست جنایی تقنینی ایران بر اساس برداشت‌های انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات، از آغاز انقلاب تاکنون با جرم‌انگاری‌های افراطی نه‌تنها نظام عدالت را با بحران تورم کیفری مواجه کرده است، بلکه با تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی، زمینهٔ نارضایتی و بی‌اعتمادی جامعه به عملکرد واضعان سیاست جنایی را نیز مهیا کرده است» (نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۵۸). جرم‌انگاری افراطی مجازات حبس که سبب تورم کیفری و افزایش جمعیت زندان‌ها می‌شود، وضعیتی که هزینه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و در سطح وسیع‌تر هزینه‌های کلان سیاسی را به جامعه تحمیل می‌کند و نه‌تنها زندانی، بلکه آحاد جامعه را به‌طور غیر مستقیم متأثر می‌کند. تورم قوانین کیفری در ایران ناشی از عدم توجه قانون‌گذار به مقولهٔ نظم عمومی به‌عنوان مؤلفه اصلی و اساسی جرم‌انگاری رفتار شهروندان است. در هر نظام حقوقی اگر قانون‌گذار به‌جای بررسی دقیق رفتارهای ضد اجتماعی و تعیین چارچوبی دقیق در مبارزه علیه رفتارهای معارض با نظم عمومی دست به واکنش‌های

مصوب ۱۳۹۱ نیز لحاظ شده است. در کل در ساختار نظام قضایی کشور لازم است وضع قانون کیفری مبتنی بر دلایل عقلی و بر مبنای اصل ضرورت در ایجاد پدیده مجرمانه و آخرین راه چاره باشد که از آن به «دخاله کیفری ضرورت‌مدار» تعبیر می‌شود و از آن طرف نسخ قانون کیفری و جرم‌زدایی از جرائم سابق نیز باید مبتنی بر دلایل قابل قبول بوده است و باعث ایجاد خلأ در جامعه و اخلاص در نظم عمومی جامعه نشود.

۵-۴-۲. بازنگری اصلاح قوانین مقررات

بازنگری اصلاح قوانین و مقررات لازم است در این راستا باشد؛ (۱) کاهش عناوین مجرمانه در قوانین کیفری (۲) به حداقل رساندن مداخله کیفری (۳) استفاده مناسب از ضمانت اجرای مدنی، اداری، انضباطی (۴) جایگزینی مجازات‌های اجتماعی به جای حبس (اسدی، ۱۳۸۵، ۱۱۱-۱۱۰)؛ (۵) تثبیت و توسعه حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع در نظام قضایی (اسدی، ۲۲، ۱۳۸۵-۱۴) (۶) بهبود فرایند دادرسی (اسدی، ۱۳۸۵، ۹۵-۹۴). قانون‌گذار حتی در مقام وضع قانون کیفری و اعمال ممنوعیت‌های مورد نظر شارع نیز باید با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی، مصلحت نظام و قواعدی مانند تنفیر از دین از جرم-انگاری برخی از معاصی شرعی که دارای مجازات معین است خودداری کند و بالعکس برای برخی از رفتارها که سابقه‌ای در شرع ندارند، ضمانت اجرای کیفری وضع نماید؛ زیرا اصولاً جرم‌انگاری باید با هدف حفظ و تأمین مصالح اساسی و نظم عمومی و دفع مفاسد فردی و اجتماعی باشد و اهمیت مفاسد فردی یا اجتماعی مترتب بر رفتار ارتكابی شهروندان

ساختار نظام قضایی کشور به این قرار است: (۱) تهیه و تدوین لایحه تشکیلات قضایی. توجه به این مهم در لوایح آئین دادرسی کیفری و مدنی، لایحه حمایت خانواده، لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و لوایح دیگر؛ (۲) گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضائیه؛ (۳) توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی «عادل، ۱۳۸۷، ۵»؛

و در بخشی دیگر آمده است که: تثبیت توسعه شوراهای حل اختلاف و استفاده از روش داوری حکمیت در حل و فصل دعاوی در دستور کار قرار گیرد.

این سیاست از مسائل محوری برنامه‌های تدوین‌شده قوه قضائیه است و هدف آن افزایش مشارکت مردم و نهادهای مدنی در حوزه عدالت و کاهش ورودی مراجع قضایی است. (۱) در راستای تثبیت و توسعه شوراهای حل اختلاف توسط قوه قضائیه تدوین و تحویل مجلس شد که در روزهای آخر مجلس هفتم به تصویب رسید. (۲) فعالیت‌ها برای تحکیم هرچه بیشتر نهاد داوری و قاضی تحکیم تنظیم نیز ادامه دارد. ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری به‌ویژه در مسائل مهم به‌عنوان راهکاری مطمئن برای حل و فصل سریع و عادلانه دعاوی مطرح است. امروزه در نظام حقوقی بین‌المللی بیشتر دعاوی دولت‌ها توسط داوری حل و فصل می‌شود و همچنین دعاوی مالی بسیار بزرگ بین شرکت‌های خصوصی از طریق داوری رسیدگی می‌شود. (۳) تشکیل مرکز مشاوران تخصصی خانواده: به منظور تثبیت این طرح، تشکیل مراکز مشاوره تخصصی در لایحه حمایت خانواده پیش‌بینی شده است (امیدی، ۱۳۸۷، ۷۶) که در قانون مذکور

آن‌ها با توجه به وضعیت کنونی کشور است و یا نهاد داوری اجباری برای رسیدگی به برخی دعاوی تأسیس شود. هم‌چون تأسیس داوری اجباری در قانون پیش‌فروش مصوب ۱۳۸۹.

ب) قضا‌دایی قضایی: با کمک دستگاه قضایی از طریق شورای حل اختلاف، داوری، تشکیل واحدهایی با عنوان صلح و سازش که البته قانون‌گذاری مستقل و کارشناسی شده را می‌طلبد. این واحدها می‌توانند زیرمجموعهٔ خود قوهٔ قضائیه و یا با کمک سایر قوا به‌عنوان مثال قوهٔ مقننه با بهره‌جویی از اعتبار عرفی نمایندگان مجلس میان مردم صورت گیرد. هم‌چنین در جامعه تا کنون به‌گونه‌ای عمل شده است که مردم به‌سوی دستگاه قضایی برای هر امر ساده‌ای کشانده شده‌اند و چنین تلقی شده است که حل هر مشکل نیاز به حکم دادگاه دارد و حال اینکه بسیاری از اختلافات مردم را می‌توان به‌صورت داوری حل و فصل کرد. هم‌چنین انجام امور داوری احتیاج به داوران متخصص و آموزش‌دیده و مکان مستقل و مناسب جهت این امر دارد که امکانات مجتمع‌های قضایی از این لحاظ مناسب نخواهد بود. سایر طرق عبارت‌اند از: تقلیل سه مرحله رسیدگی به دو مرحله، صدور قرار عدم صلاحیت در برخی دعاوی و خروج موضوعی آن‌ها از این دستگاه و...

ج) قضا‌دایی اجرایی: با کمک نهادهای قوهٔ مجریه و اعطای بخشی از اختیارات قضاوتی به دستگاه‌های اجرایی در خصوص دعاوی تخصصی. البته واگذاری اختیار قضایی به نهادهای وابسته به قوهٔ مجریه از مبنا دارای ابهامات و ایرادات شکلی بسیاری است. اما نظر به اینکه نهادهای اداری نظیر ادارات گمرک،

باید به‌قدری غیر قابل تحمل باشد که وضع ضمانت اجرای کیفری برای آن ضروری باشد. یکی از مهم‌ترین وظایف قانون‌گذاران آن است که از حقوق کیفری به اندازه و متناسب با موقعیت‌های مسئله‌دار استفاده کنند و مادامی که ضرورت‌های اجتماعی ایجاب نکند از حقوق کیفری برای برخورد با آن موارد استفاده نکنند و در واقع با اعمال اصل حداقلی بودن حقوق کیفری که مبتنی بر این عقیده است که حقوق جزا دارای سازوکار پیش‌گیرانه است، زمانی باید از این ابزار استفاده کند که سایر ساز و کارها، وافی به مقصود نباشد.

۵-۴-۳. اجرای قضا‌دایی به روش‌های مختلف

قضا‌دایی در نظام حقوقی کنونی به چهار طریق می‌تواند صورت گیرد: الف) قضا‌دایی قانونی: با کم مقنن از طریق تصویب قوانین و لوایح جدید نظیر لایحه قضا‌دایی و اصلاح قوانین موجود. از جمله پرونده‌هایی که بیشترین آمار را به خود اختصاص می‌دهند از صلاحیت مراجع قضایی خارج و به نهادهای دیگر دولتی یا جامعی واگذار گردند. لذا از طریق مراجع اداری، انضباطی و مدنی یا نهادهای جامعی مانند شوراهای مردمی رسیدگی به دعاوی، از ورود افراد به فرآیند قضایی ممانعت به‌عمل آید. هم‌چنین شایسته است مراکزی مثل دفاتر ثبت اسناد و املاک جهت انجام امور غیر قضایی ایجاد کنیم که اگرچه بخش خصوصی هستند اما کارشان مرتبط با قوهٔ قضائیه است. این امور مستلزم بررسی‌های اساسی کمیسیون‌های مجلس در خصوص اعطای اعتبار قانونی به نهادهای فوق‌الذکر و هم‌چنین بررسی توان‌های بالقوه و بالفعل

اقامه دعوا سعی کنند که بین طرفین دعوا سازش حاصل و انجام این وظیفه را در دادخواست یا ضمن دفاع تصریح کنند و در صورت پیش‌بینی ضمانت اجراهای صنفی این امر بهتر می‌تواند مورد اجرا قرار گیرد.

بورس و کمیسیون‌های شبه قضایی شهرداری و... در خصوص دعاوی مرتبط با حوزه کاری خود می‌توانند بار بسیاری از ورودی‌های قوه قضائیه را کاسته و علاوه بر سرعت در رسیدگی، تخصصی شدن این مراکز را به‌همراه آورند، ضروری می‌نماید با تأکید بر فرهنگ‌سازی و ترویج شروط داوری در همه قراردادهای و یا توافق بر حکمیت آن دستگاه اجرایی در قبال دعاوی مرتبط اعتمادسازی لازم به‌عمل آید.

د) قضازدایی مردمی: با کمک اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت کاهش ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضا با استفاده بهینه از رسانه‌های جمعی جهت نهادینه کردن فرهنگ صلح و سازش و ترغیب عموم بر مراجعه به نهادهای جامعوی به‌جای مراجعه به دستگاه عدالت رسمی و مذموم دانستن طرح دعاوی سبب در قوه قضائیه. بدین‌صورت هم شأن دادگاه و قاضی برای رسیدگی به دعاوی مهم حفظ گردد و هم عموم خود به این باور دست یابند که برای دعاوی ناچیز شایسته نیست به دادگاه مراجعه و سبب تراکم و اطاله سایر پرونده‌ها شوند. این نوع قضازدایی اگرچه محدوده مشخصی ندارد و در طی تاریخ با توجه به امکانات و شرایط مختلف متغیر است، به نظر این‌جانب اصلی‌ترین و مهم‌ترین نوع قضازدایی محسوب می‌شود (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۳، ۵۶)، زیرا هر آنچه عرف مذموم بداند دیگر نیازی به پیش‌نگاره‌های قانونی و قضایی ندارد. از طرفی با داشتن وکیل دادگستری برای جلوگیری از اشتباه یا طرح ناقص دادخواست‌ها و با تجمیع خواسته‌ها در لوایح ارسالی در تسریع احقاق حق اقدام کنند. وکلای دادگستری نیز به‌عنوان بازوی اجرایی عدالت در کنار قضات ضروری است قبل از

۶. نتیجه

مردم صورت گیرد. مشارکت عمومی در حل و فصل دعاوی ضرورت دارد. بدین روی بسیاری از دولت‌ها سعی کرده‌اند با استفاده از مطالعات علمی روش‌های تازه‌ای را در سیستم حقوقی خود به وجود آورند. استفاده از برنامه‌های جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضا زدایی از جمله این روش‌ها محسوب می‌شوند. در قضا زدایی که از اهمیت زیادی برخوردار است، هدف این است که به جای توسل به دستگاه رسمی عدالت - کیفری و دادگستری و استفاده از قضات حرفه‌ای در حل و فصل دعاوی و رسیدگی به تخلفات و جرائم، این وظایف به عهدهٔ سایر سازمان‌های مدنی و اجتماعی و شوراهای مردمی گذاشته شود. قانون‌گذار با استفادهٔ نابه‌جا از حقوق کیفری در قلمروهای غیر مرتبط و در بعضی جرائم کم‌اهمیت و خرد موجبات تضعیف کارکرد اخلاقی حقوق جزا را فراهم کرده است. بنابراین قانون‌گذار باید به کارایی قوانین جزایی توجه ویژه‌ای داشته باشد و نباید موضوعاتی را وارد قلمرو حقوق کیفری کند که از نظر اجتماعی قباحت و زشتی خود را از دست داده‌اند و لطمه‌ای به نظم عمومی وارد نمی‌کنند.

قضا زدایی در جهت محدود کردن مداخله نظام کیفری است به پرهیز از حقوق کیفری توصیه می‌کند، هدف دست‌اندر کاران سیاست جنایی و پرهیز از درگیر شدن مرتکبان جرائم در فرآیند عدالت کیفری یا در صورت ورود به این فرآیند، جلوگیری از ادامه مسیر آن. یا منحرف کردن آن‌ها به سمتی مناسب‌تر است. به همین جهت زمانی که به استراتژی عقب‌نشینی با تجدیدگسترده حقوق جزا از این زاویه نگریسته می‌شود، جلوهٔ جدیدی از سیاست جنایی با عنوان قضا زدایی بروز می‌کند.

قضا زدایی، خارج‌سازی عملیات رسیدگی و حل و فصل دعاوی مزبور از فرایند اقدامات رسمی کیفری است. قطع و فصل مزبور در نظام‌های حقوقی مختلف ممکن است به شیوه‌های گوناگون انجام پذیرد. برخلاف تقویت مجازات‌ها و به‌طور کلی توسعهٔ قلمرو حقوق جزا، نظام کیفری به‌تنهایی نمی‌تواند جلوه‌های گوناگون بزه‌کاری را مهار کند. بر همین اساس قضا زدایی از اهمیت بالایی برخوردار است. به‌عبارتی مبارزه با جرم از جمله جرائم دیگر فقط با تکیه بر نهادهای قهرآمیز دولتی مانند پلیس، مراجع قضایی و واکنش‌های کیفری امکان‌پذیر، مؤثر و قابل‌تصور نیست و نیازمند قضا زدایی است. البته این امر به معنای شکست و تسلیم شدن نظام کیفری در مبارزه با جرائم خرد نیست؛ بلکه قضا زدایی فقط به‌دنبال تحدید دامنهٔ مداخلهٔ حقوق جزا است و هدف آن سبک کردن بار این نظام و توزیع آن میان نظام‌های دیگر است.

در همین راستا لازم است در قوانین و ساختار قضایی کشور تغییراتی در راستای مشارکت بیشتر

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، چاپ اول، قم، نشر پژوهشکدهٔ حوزهٔ و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- کلانتری، کیومرث، «تحلیل بحران در حقوق موضوعهٔ کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن»، رسالهٔ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
- گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات علامه طباطبائی، ۱۳۹۸.
- گودرزی بروجردی، محمد، مطالعه و عملیاتی سازی جایگزین‌های زندان، چاپ اول، تهران، آرشیو دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها، ۱۳۸۳.
- محمدی، داود، قوهٔ قضائیه و پیش‌گیری از وقوع (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۸۲.
- مظلومان، رضا، جرم‌شناسی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲.
- میلیکی، ایوب، «ارزیابی کیفر شناختی شلاق در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشتهٔ حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳-۱۳۸۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌محمد حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانش‌نامهٔ جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- اسدی، احمد، پیش به سوی جایگزین‌های نوین (نقدی بر مجازات حبس)، چاپ اول، تهران، نشر کوکوسار، ۱۳۸۵.
- اسفندیاری، محمد صالح؛ نورپور، محسن، «پیامدها و چالش‌های مداراگرایی کیفری در جرائم خرد»، مجله کارآگاه، شماره سی‌ونه، تابستان ۱۳۹۶.
- افراسیابی، محمد، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۹.
- امیدی، موسی، شوراها و حل اختلاف در قضازدایی، چاپ اول، تهران، نشر تبلیغات، ۱۳۸۷.
- بوعدار، رکسانا؛ عباسی، عاطفه، «جایگاه حقوقی و حدود صلاحیت قوهٔ قضائیه در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی»، مجلهٔ دانش حقوق عمومی، سال نهم، شمارهٔ بیست‌وهفت، بهار ۱۳۹۹.
- حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
- خزانی، منوچهر، فرایند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷.
- عادل، حداد، «راهکارهای قوهٔ قضائیه در راستای بهبود بخشیدن به مشکلات قوهٔ قضائیه»، تهران، خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۷.
- قناد، فاطمه؛ اکبری، مسعود، «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شمارهٔ هجدهم، ۱۳۹۶.
- قیاسی، جلال‌الدین؛ دهقان، حمید؛ خسروشاهی، قدرت‌الله، مطالعه تطبیقی حقوق جزای

- نجفی‌توانا، علی، «تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره اول، ۱۳۸۶.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، «میزگرد مشارکت مردم در تأمین امنیت اجتماعی»، مجله امنیت، شماره‌های هفتم و هشتم، ۱۳۸۷.

- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، کتاب‌خانه گنج دانش، ۱۳۸۰.

- نوربها، رضا، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۷.

- نوروزی، نادر، «جرائم خرد علیه نظم عمومی: راهبردها و راهکارها»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره شصت‌وهشت، تابستان ۱۳۸۴.

- نوروزی، نادر، «جرائم خرد علیه نظم عمومی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره شصت‌وهشت، ۱۳۸۴.

- نوروزی، نادر، «سیاست جنایی در جرائم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان با تکیه بر نظریه پنجره‌های شکسته»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

